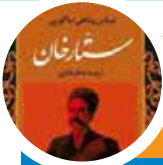


«ستارخان»

دوباره به ایران آمد



صبا: رمان «ستارخان» اثر عباس پناهی‌ماکویی با ترجمه غلام‌خاتون بازنشر شد. نویسندۀ این کتاب عباس پناهی‌ماکویی در سال ۱۲۸۱ در شهر ماکو در خانواده‌ای تجارت‌پیشه به دنیا آمد. دوران کودکی‌اش را در همین شهر مرزی گذراند و از سال ۱۲۸۷ به خوی آمد تا تحصیلات ابتدایی خود را در آن جا به پایان رساند. از آثار وی می‌توان به «چوپان اسرارآمیز»، «عاشقان زیبا»، مجموعه «شب‌های تیریز» (چاپ باکو، سال ۱۹۵۰م)، «مبارزان» (باکو، ۱۹۵۲م) «کیزیلی زیندان» (زندندان پنهان، باکو، ۱۹۶۴م) رمان «خیابانی» و «حیدرخان عمواغلی» و... اشاره کرد. وی در هفتم مهرماه ۱۳۵۰ در باکو بدرود حیات گذشت.

به گزارش «صبا»، رمان «ستارخان» یکی از بزرگ‌ترین آثار هنری عباس پناهی‌ماکویی است که درباره انقلاب مشروطیت ایران آگاهی‌های بس گران‌بهایی را به دست می‌دهد. درباره رهبری توانای این جنبش، درباره سازمان رزمی و سرانجام درباره ستارخان و هم‌زمانش راستی‌هایی را بازگو می‌کند. پناهی در این رمان از جنبش‌های آزادبخش ملی، زندگی قشرها و طبقه‌های گوناگون ایرانیان، به ویژه آذربایجان و تبریزیان، و تاریخچه پیکارهای سیاسی و نظامی مردم سخن به میان می‌آورد و چهره‌های وابسته به ملت‌های گوناگون ایران (فارس و آذربایجانی و کرد و از منی) و نقش آن‌ها در روند جنبش مردمی مشروطه و نیز فعالیت‌های نمایندگان دولت‌های امپریالیستی مقیم ایران را در آن زمان به خوبی نشان می‌دهد. در این رمان از ناجور بودن محیط اجتماعی ایران ضمن اوج‌گیری پیکارهای انقلابی‌به‌ویژه در زمان قیام تبریز زیر رهبری ستارخان در بلوای تبریز، صحنه‌های به‌یادماندنی و حکایات شیرین و در عین حال دلگرای به تصویر کشیده شده است.

رمان «ستارخان» نخستین بار به سال ۱۹۵۷ (۱۳۳۶ش) در شهر باکو به چاپ رسید. شش سال بعد متن روسی‌اش با تیراژ یک‌صدهزار نسخه در مسکو چاپ و منتشر شد. متن فارسی آن نیز برای نخستین بار به سال ۱۳۵۷ توسط کیخسرو کشاورزی و انتشارات امیرکبیر منتشر شد.

چالش‌های زنان نمایش‌نامه‌نویس

و تداوم حضورشان

بررسی می‌شود



صبا: سومین نشست نمایش‌نامه‌نویسی سی‌وهفتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر با عنوان «زنان نمایش‌نامه‌نویس و چالش‌های تداوم حضور» روز سه‌شنبه ۱۸ دی در مجموعه تئاتر شهر برگزار شد. سومین نشست نمایش‌نامه‌نویسی ساعت ۱۶:۳۰ تا ۲۰ در سالن کنفرانس مجموعه تئاتر شهر برگزار شد. در این جلسه که دبیری آن را نوشین تیریزی برعهده داشت هاله مشتاقی‌نیا، محمدامیر یاراحمدی و سعیداسدی به‌عنوان سخنران حضور داشتند.

طی این نشست مهمانان و نمایش‌نامه‌نویسان حاضر همراه با سخنرانان به گفت‌وگوی دوطرفه پرداختند.

سعید ثابت با گروه «پایور»

کنسرت می‌دهد



مهسر: سعید ثابت؛ نوازنده و مدرس سنتور، درباره اجرای خود در سی‌وچهارمین جشنواره موسیقی فجر گفت: طبق روال همیشگی، اجرای ما در جشنواره دو بخش دارد. بخش اول اجرا، دونوازی سنتور و تمبک، با حضور استاد محمد اسماعیلی است و در قسمت دوم، گروه‌نوازی انجام می‌شود. البته در بخش گروه‌نوازی، ما اجزایی در دستگاه شور خواهیم داشت. نخستین قطعه این بخش، قطعه «از و نیساز» و دومین قطعه تصنیف «هاتف» اثر استاد فرامرز پایور است که با تنظیم خود ایشان اجرا می‌شود. این نوازنده سنتور گفت: در ادامه گروه‌نوازی بخش دوم، چهارضرب شور اثر استاد پایور با تنظیم من اجرا خواهد شد. سپس تصنیف «پهانه» یا هنگساز و تنظیم خود بنده اجرا می‌شود. بعد از آن قطعه «فرد» اثر استاد پایور و تنظیم بنده اجرا خواهد شد. این اجرا در نهایت با تصنیف «غمه چنگ» یا هنگساز و تنظیم من به پایان خواهد رسید. خواننده بخش گروهی در این اجرا نیز علیرضا فردون پور است. ثابت درباره رویکرد جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر در توجه به آثار هنگسازان ایرانی گفت: به‌طور کلی، موسیقی کلاسیک حتی در دیگر کشورها هم مظلوم واقع می‌شود. ضمن این که ما موزیسین‌ها تنها بخشی از مسئله بالندگی موسیقی ایرانی هستیم که وظیفه‌مان حفظ و اشاعه موسیقی است. اما بار بر دوش ما نیست. مگر یک موزیسین قدیمی می‌تواند در آموزش خود با تدریس موسیقی، موسیقی ایرانی را حفظ کند؟ این تمام آن چیزی نیست که بر عهده ماست. هم‌سو با ما، دولت‌ها موظفند با آموزش و توسعه موسیقی ایرانی، گستره این موسیقی را بسط دهند. ثابت با طرح این سوال که بسامد موسیقی ایرانی در رادیو و تلویزیون کشور چقدر است، افزود: اگر دولت‌ها در صدد ارتقای فرهنگی باشند، به موسیقی ایرانی توجهی شایسته و شایان‌نشان خواهند داد. صداسوسما لاهم است به‌عنوان رسانه‌ای فرآگیر به موسیقی ایرانی و حتی به آموزش آن توجه نشان دهد تا گوش مردم را با آثار خوب ایرانی تقویت کند.

سی‌وچهارمین جشنواره موسیقی فجر از ۲۴ تا ۳۰ پانجمین سال جاری با دبیری شامین فرحت در تهران برگزار می‌شود.

تکذیب فراخوان حمایت مالی برای ادامه درمان بهنام صفوی

رضا فوادیان؛ مدیر برنامه بهنام صفوی، درباره موضوع حمایت مالی هنرمندان و حامیان مالی برای ادامه درمان بهنام صفوی در گفت‌وگو با «صبا» اظهار کرد: بیماری سرطان و تومور مغزی هزینه‌های سرسام‌آوری دارد که خانواده بهنام تا به امروز تقبل کرده‌اند اما در این شرایط نیاز به حامیان مالی برای کمک به ادامه درمان بهنام صفوی دارند. ما می‌دانیم که حامی مالی در جایی هزینه می‌کند که برگشت مالی داشته باشد اما این موضوعی است که برای هنرمند کشور مان به وجود آمده است و می‌خواهیم که با حامیان مالی به بهبود و سلامتی بهنام عزیز کمک کنیم.

او در ادامه افزود: ما از هنرمندان و خواننده‌های عزیز کشورمان هم خواستیم تا کسانی که می‌توانند کنسرت برگزار کنند و عواید آن را به والدین بهنام واگذار کنند تا از این طریق بتوانیم کمکی کرده باشیم.

فوادیان از حمایت‌های مردم در این یک‌روز گفت: من خیلی خوشحالم که مردم بهنام را دوست دارند و به هر طریقی می‌خواهند کمک کنند چرا که از دیروز که شاهین صمدپور با انتشار فیلمی در اینستاگرامش اطلاع‌رسانی کرد، بسیاری از مردم در حد توان حمایت خودشان را اعلام کردند اما والدین بهنام کمک‌های شخصی را نمی‌پذیرند.

او در پایان از آخرین وضعیت بهنام صفوی گفت: وضعیت بهنام و سطح هوشیاری او از هفته گذشته تغییری نکرده است و با توکل به خدا امیدواریم هر چه زودتر بهبود یابد.

واکنش ابتهاج به احتمال تخریب خانه مادری

هوشنگ ابتهاج؛ شاعر پیشکسوت، درباره احتمال تخریب خانه مادری‌اش در رشت و این که ثبت آن را در فهرست آثار ملی به ارائه یک سند -چه عکس یا دست‌نوشته‌ای از او- به میراث فرهنگی منوط کرده‌اند، اظهار می‌کند: من از ابتدا نخواستیم که وارد این موضوع شوم، زیرا برایم اهمیتی ندارد که می‌خواهند چه بلایی سر این خانه بیآورند، برایم آدم‌هایی که در این خانه زندگی می‌کردند اهمیت داشت که دیگر نیستند؛ حالا سر این خانه هر بلایی که می‌خواهند، بیآورند. او در توضیحی می‌گوید: این خانه، خانه مادری من بود. مادر مادر بزرگم صاحب این خانه بود که بعد از این خانه به دخترش رسید و از دخترش که مادر بزرگ من حساب می‌شد به مادر من رسید. این خانه بعد از فوت مادرم (۱۳۲۶) به من و سه خواهرم رسید که ما به پدرم و کالت دادیم تا این خانه را بفروشد. او در سال ۱۳۲۷ این خانه را فروخت. یک نفر، دو نفر دیگر هم این خانه را خریدند. شنیدم یکی از صاحب‌خانه‌ها ساکن آمریکا است. با او هم گفت‌وگو کردند. به من گفتند در شهرداری رشت تصویب شده این خانه را بخرند تا به یک مرکز فرهنگی تبدیل شود. اخیراً هم شنیدم که حکمی صادر شده که این خانه را خراب بکنند و ساختمان چندطبقه بسازند؛ اما جز بیاتش را نمی‌دانم.

هوشنگ ابتهاج خاطر نشان می‌کند: این خانه مادر من است. من تا ۱۹ سالگی همیشه آن‌جا بودم و بعد هم تا سال ۱۳۲۶ که مادرم از دنیا رفت، هر دو هفته یک‌بار به آن‌جا می‌رفتم، و به تهران برمی‌گشتم. یک سال بعد از فوت مادرم هم در سال ۱۳۲۷ پدرم آن‌جا را فروخت و با خواهرهایم به تهران آمدم، بعد هم پدرم برگشت رشت و همان‌جا از دنیا رفت. من تمام گوشه و کنار این خانه را می‌توانم نقاشی کنم. یاد می‌آید در ضلع غربی خانه دیوار بود که درخت انگوری داشت که تا بالای دیوار رفته بود.

به گزارش ایسنا: این شاعر پیشکسوت در ادامه می‌گوید: نگهداری این خانه برای من مسئله نیست. اگر این خانه امسال خراب نشود، پنجاه سال دیگر خراب می‌شود. ممکن است به‌طور طبیعی خراب شود؛ زلزله بیاید. هزار بلا سر تاریخ می‌آید و تمام می‌شود. ساختمان‌ها نامی ماندند و گاه خودبه‌خود از بین می‌روند. من اصرار برای حفظ این خانه ندارم و اهمیتی هم ندارد؛ وقتی خود آدم نمی‌ماند حالا خانه هم نماند. اما این خانه حیفا است و یادگاری است. اگر مرکز فرهنگی شود بهتر از این است که به یک اداره تبدیل شود.

او در پاسخ به این که میراث فرهنگی گفته است با دو خط نوشته این شاعر می‌تواند این خانه را ثبت کند، می‌گوید: چرا من باید این دو خط را بنویسم؟ همه می‌دانند این خانه برای ماست. اهالی آن‌جا این را می‌دانند. آدم‌هایی که در شهرداری هستند این را می‌دانند. واقعا به چنین چیزی احتیاج است؟ دخترم در جریان این موضوع است، البته یلدا از روی احساسات وارد این موضوع شد. دخترم در این خانه زندگی نکرده و در تهران به دنیا آمده است. سند این خانه منتشر شده است. در اینترنت هم هست، در ایمیل من هم آمده است. برای من هم فرستاده‌اند که این خانه برای خانم عالیبه رفعت بوده و بعد به فاطمه ابتهاج رسیده و از خانم فاطمه ابتهاج به من و خواهرهایم رسیده است. سند وجود دارد که از امضای دوخطی من بیشتر اهمیت دارد، با اسم و جزئیات. به نظرم این‌ها همه پهانه است. ابتهاج سپس بیان می‌کند: برای من خیلی خنده‌دار است وقتی سند ثبتی اسناد شهری با جزئیات وجود دارد و این که خانه مطابق صورت‌مجلس فلان به تاریخ فلان به فلائی و از فلائی ارث رسیده است، از من دست‌خط بخواهند. حضرات در شهرداری رشت و در هر جای دیگر هم این سند را دارند، این که نوشته دوخطی از من بخواهند، شوخی است. من بنویسم کاخ سلطنتی در فلان کشور دنیا برای من است؟! این‌ها که کافی نیست. وقتی سند وجود دارد به نوشته احتیاج نیست. این به شوخی می‌ماند. کپی سند دست من است؛ دخترم برای من فرستاده که دخترم هم از ۱۰ نفر دیگر گرفته است. در رشت این سند را دیده‌اند و دارند. این‌ها پهانه‌جویی است.

عیار تذهیب در رشته نگارگری بالا بود

همراه با انتخاب آثار یازدهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر

آثار رشته نگارگری یازدهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر برای حضور در نمایشگاه این رویداد هنری، در دو مرحله صورت می‌گیرد که مرحله اولیۀ انتخاب آثار به پایان رسیده است و به گفته دبیر رشته نگارگری از میان شاخه‌های مختلف هنر نگارگری، امسال آثار تذهیب درخشان‌تر بودند.

و آن‌هایی را که نوآوری داشتند برای این مرحله انتخاب کردیم. زیرا خلاقیت برایمان مهم بود. نگرش‌های تازه‌ای در هنر نگارگری به وجود آمده است و نگاه جوان‌ها به سمت معاصر بودن رفته است. از این نظر کارها به اهداف جشنواره هم نزدیک بود. ممکن بود که در برخی آثار نقصی در رعایت اصول دیده شود ولی به دلیل خلاقیت نظر ما را جلب کند و به آن اثر اجازه دهیم به مرحله بعد برود.

یازدهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر با دبیری ابراهیم حقیقی از پنجم بهمن تا پانزدهم اسفند برگزار می‌شود. در این جشنواره سیدامیر سقراطی دبیری هنری و محسن سلیمانی دبیری اجرایی را عهده‌دار هستند.



هنرمند باشیم. آثار در بخش تذهیب بیشتر این خصوصیات را داشتند. در واقع به نظر بنده عیار کارهای بخش تذهیب بسیار بالاتر از سایر کارها بود.

رضا یساوی، یکی از داوران رشته نگارگری یازدهمین جشنواره تجسمی فجر نیز در این باره گفت: در این جشنواره کارهایی با رویکرد معاصر دیدیم اما به نظرم هنوز این موضوع جای کار دارد. نگارگر جوان ما پرسش‌های زیادی در این باره دارد. آیا اگر با نگارگری برخورد انتزاعی کنیم تبدیل به هنر معاصر می‌شود؟ نگاه‌های معاصر در آثار رسیده بیشتر اثر را به سمت کار گرافیکی برده بود. هنر نگارگری تفاوت‌های بنیادین با هنرهای مدرن دارد. این هنر در زمان طولانی تولید می‌شود. اگر یک نقاش یک‌روزه کارش را می‌کشد، یک نگارگر باید هفته‌ها وقت بگذارد. ابزار ساخت و ساز خود را تهیه کند و کار را به سرانجام برساند.

او درباره ملاک‌های داوری نیز بیان کرد: ساخت و سساز زیاد برای ما ملاک نبود. چون این‌ها تکنیکی است که هنرمند می‌تواند در عرض چند ماه یاد بگیرد. در عوض تأکید بنده روی سواد بصری هنرمند، تکنیک‌های اجرایی، اصول، رنگ‌ها، فرم و ترکیب‌بندی بود.

به گزارش «صبا»؛ مهرزمان فخار منفرد، دیگر داور این رشته نیز درباره آثار گفت: برخی آثار تباطلی با هنر نگارگری نداشتند و بیشتر گرافیک، تصویرسازی و نقاشی بودند. معاصر بودن نیز برای هنرمندان جوان نگارگر ما خوب تعریف نشده است و اصلی برخی کارها در این بخش همین بود. ما بهترین کارها را با معیارهای سخت انتخاب کردیم اما تا وقتی کارها را از نزدیک نبینیم نمی‌توانم قضاوت کاملی داشته باشیم.

امیرحسین قهرمانی نیز که یکی از داوران رشته نگارگری در یازدهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر است، درباره آثار و ملاک‌های داوری بیان کرد: به دنبال کارهای خلاق بودیم



گردهمایی خانواده تئاتر

پیرامون مشکلات صنفی

صبا: به دعوت خانه

تئاتر روز شنبه (۲۲دی) گردهمایی

هنرمندان پیرامون مسائل صنفی

برگزار می‌شود.

پیرو به وجود آمدن برخی حواشی

در روزهای اخیر و نگرانی‌هایی

که به دنبال داشته، خانه تئاتر

از هنرمندان خواسته تا روز

شنبه (۲۲دی) ساعت ۱۵ برای

پرداختن به مسائل صنفی‌شان در

عمارت خانه تئاتر حضور یابند.